



هنگامی که ادیسون دستگاه «کینوتوسکوپ»^(۱) را اختراع کرد تا تصاویر متعدد را به نحوی بی‌دریی و سریع نشان دهد و آن را به صورت یک شیء جنینده دربیآورد، هرگز تصور نمی‌کرد با این کشف انقلابی در جهان هنر نو ایجاد کند که سالانه میلیون‌ها انسان را مجذوب خود سازد. حدود یکصد سال پیش وقتی برادران لومیر با حرکت دادن دستگاه فانوس خیال تصاویر قطاری متحرک را بر پرده سینما نمایش دادند، چنان توفان عظیمی به پا کردند که تا مدت‌های مدید بازار هنرهای دیگر کساد شد و همه امکانات مادی و معنوی جهان هنر در اختیار این صنعت نوپا قرار گرفت. این هنر که پرچادبه‌ترین پدیده قرن بیستم نامیده شد، در همان آغاز مرزهای نوینی را گشود و میلیون‌ها نفر را مسحور خود کرد و جالب اینکه بر خلاف پدیده‌های دیگر این قرن نه تنها پس از مدتی عادی و بی‌اهمیت نشد، بلکه جاودانه شد و ماندنی؛ به طوری که پس از گذشت اندک زمانی از مهم‌ترین هنرهای عصر فلکمداد شد

و «هنر هفتم» نام گرفت. این هنر در کشور ایران که از دیرباز با هنرهای نمایشی آشنایی داشت، بسیار سریع رشد کرد و با نام «چراغ جادو» مورد بهره‌برداری قرار گرفت و البته این نیز مانند دیگر پدیده‌های نوین از اروپا به ایران آمد. به‌طوری که از منابع تاریخی برمی‌آید، سفر مظفرالدین‌شاه به فرنگ در سال ۱۲۷۹ش موجب آشنایی با این وسیله سرگرمی در محل آب‌های گرم معدنی «کنتر کسویل» فرانسه شد و شاه را آنقدر مجذوب کرد

که بلافاصله دستور داد میرزاابراهیم‌خان عکاس‌باشی یک عدد آن را خریده و طرز کار آن را یاد بگیرد تا این دستگاه عجیب را که به ظن او روی دیوار می‌اندازند و مردم در آن حرکت می‌کنند، به‌عنوان سوغات برای زنان حرمسرای خود ببرد. این دستگاه که در آن زمان «سینمانوگراف» نامیده می‌شد، خریداری شد و به دستور مظفرالدین شاه، میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی از مراسم کارناوال گل که در فرانسه برگزار بود فیلمبرداری کرد و همین عمل نام او به‌عنوان اولین فیلمبردار ایرانی تاریخ ثبت کرد. پس از بازگشت، برخلاف دولت‌های خارجی که سینمانوگراف برای‌شان هنری اجتماعی بودو از ابتدا در بین مردم علمی رشد کرده بود، این وسیله شمع محفل درباریان شد و به‌عنوان تفریحی اشرافی به خدمت دربار درآمد. خیلی زود فیلم‌هایی از زندگی زنان حرمسرا، خواجگان، مسافرت‌های شاه، شیرهای شاه در دوشان تپه و مراسم سینه‌زنی تهیه و در اندرونی و خانه‌های شاهزادگان به نمایش درآمد و تا آنجا پیش رفت که خود مظفرالدین‌شاه تصمیم به ساختن فیلم گرفت و اولین فیلم فارسی را از زندگی خواجه‌های درباری کارگردانی کرد.

چند سال بعد با شروع انقلاب مشروطیت بهره‌گیری از هنر سینمانوگراف عمومی شد و مراکزی برای تماشای عمومی ایجاد شد. در سال ۱۳۲۶ق برابر با ۱۲۸۷ش و ۱۹۰۸م نخستین اعلان مربوط به سینما در جراید به چاپ رسید.

اعلان

پرده‌های جدید تماشای سینمانوگراف که عوالم را به طور حرکت و تجسم نشان می‌دهد به‌تازگی وارد شده و در خیابان ناصری در یکی از مغازه‌های جنب تاجرباشی نشان داده می‌شود. مقدم آقایان محترم از یک‌ساعت بعد از ظهر تا دو ساعت از شب گذشته در

کمال احترام پذیرفته می‌شود.^(۲) البته مدتی قیبل از این تاریخ، میرزاابراهیم‌خان عکاس‌باشی در خیابان چراغ‌گاز سالیانی افتتاح کرده بود و فیلم‌های کمدی و خبری کوتاه که در نهایت از ۱۰ دقیقه تجاوز نمی‌کرد نمایش می‌داد. او مردی آزادخواه بود و در سفرهایی که به اروپا کرده بود با کاربرد مردمی دستگاه سینمانوگراف آشنا شده بود. بویژه آنکه با شروع انقلاب مشروطیت کشور در تب و تاب افکار انقلابی می‌سوخت و او خوب می‌دانست این صنعت جدید تا چه حد برای ترویج افکار و عقاید آزادیخواهی مؤثر است. نمایش فیلم‌ها اکثرا در شب انجام می‌شد و در سالن، لیومواد و دیگر آشامیدنی‌ها به فروش می‌رسید اما عمر این سالن جدید یک ماه بیشتر نبود (ماه رمضان) چراکه نمایش فیلم‌هایی چون جنگ ترانسوال آفریقای جنوبی و فیلم‌های خبری دیگر، دولت را بر آن داشت که میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی را تبعید و وسایل و اسباب سالن را مصادره کند. میرزاابراهیم‌خان به

به طور جدی‌تری مطرح شد و سالن‌هایی در سطح شهرهای بزرگ بر پا شد.

■ **عمومی شدن سینما**

اولین قدم برای عمومی شدن سینما در ایران با احداث سالن‌های سینمایی آغاز شد. البته در ابتدا این سالن‌ها توسط اقلیت‌های دینی و افراد غیرایرانی ایجاد شد. اولین فرد از این گروه که اقدام به بازگشایی سینما کرد، روسی‌خان بود. وی در سال ۱۲۵۴ق در تهران از پدری انگلیسی و مادری روس متولد شد و نام اصلی‌اش ایوانف بود. در آغاز سلطنت مظفرالدین شاه به‌عنوان یکی از تکنیسین‌های عکاسخانه شاهی استخدام شد و در آغاز سلطنت محمدعلی شاه به ریاست بخش عکاسی دارالفنون و مقام عکاس‌باشی دربار دست یافت. شهرت وی به روسی‌خان به دلیل عکس‌های جالبی بود که‌ازمحمدعلی‌شاه‌وخانواده‌اش برداشته بود و بدین سبب از جانب شاه بدین عنوان ملقب شده بود.^(۳) وی سال ۱۲۸۵ش پس از آگاهی از تمایلی عمومی مردم به سینمانوگراف، یک دستگاه نمایش و ۱۵ حلقه فیلم ۶۰۰الی ۸۰۰ میلیمتری از کمپانی پاته‌خریداری کرد‌و‌مشغول نمایش فیلم‌های کمدی در اندرون شاهی و خانه‌های اعیان و اشراف شد. همچنین در مجالس عروسی از جمله عروسی «ظل‌السلطان» در باغشاه به نمایش فیلم‌های کمدی پرداخت. روسی‌خان برخلاف‌ابراهیم‌خان عکاس‌باشی فردی درباری بود و با محمدعلی شاه و لیاخوف، سردار روس و عامل به توپ بستن مجلس روابط خوبی داشت. روسی‌خان در سال ۱۲۸۷ش به دنبال کسب سود و درآمد بیشتر به تأسیس یک سالن سینما در خیابان علاءالدوله (فردوسی فعلی) پرداخت و سالن را با نمایش فیلمی از جنگ روسیه و ژاپن افتتاح کرد. مدتی بعد سالیانی بزرگ‌تر در خیابان لاله‌زار اجاره و آن را با نام «تماشاخانه بومر و روسی‌خان» بازگشایی کرد. فیلم‌هایی که او نمایش می‌داد اکثرا روسی بود یا از روس‌ها حمایت می‌کرد. به همین دلیل مورد حمایت روس‌های مستقر در ایران بویژه لیاخوف قرار گرفت و همین حمایت موجب شد مخالفت‌های ایرانیان با فیلم‌های نمایشی تأثیری در کار او نداشته باشد. با قدرت‌گیری انقلابیون، سالن سینمای روسی‌خان یک شب توسط مجاهدان مسلح اشغال شده و فیلم‌های انقلابی به نمایش درمی‌آمد و شب دیگر توسط قزاق‌های روس اشغال و فیلم‌های مطلوب روس‌ها نمایش داده می‌شد. بزودی اهمیت تجاری فروش بلیت‌های سالن سینما از دید دیگر ایرانیان پنهان نماند و به‌تدریج اشخاص جدیدی به این صنعت نوپا جذب شدند. از جمله این افراد آقاویف (مشهور به تاجرباشی) بود که ابتدا در خیابان چراغ‌گاز در قهوه‌خانه زرگرآباد به نمایش فیلم می‌پرداخت که به دلیل استقبال مردم^(۴) از این سالن مورد اعتراض روسی‌خان واقع شد. کار به زد و خورد کشید اما آقاویف از پا نشست و سالن کوچکی با ۲۰ صندلی در خیابان ناصرخسرو راه انداخت.^(۵)

درگیری‌های ایسن دو عاقبت به زندانی شدن آنها انجامید اما پس از آزادی، روسی‌خان که از حمایت لیاخوف برخوردار بود، جواز کسب دریافت و سالن جدیدی در دروازه قزوین (بازارچه قوام) به راه انداخت. فعالیت روسی‌خان در تهران همچنان ادامه داشت تا اینکه محمدعلی‌شاه شکست خورد و روسیه پناهنده شد. روسی‌خان نیز که تا آن زمان تحت حمایت روس‌ها و شاه‌فعلیت می‌کرد، به ناچار ایران را ترک کرد. او سال ۱۲۹۱ش به فرانسه مهاجرت کرد و به خدمت همسر محمدعلی‌شاه درآمد و تا زمان مرگ در کنار خاندان قاجار بود.^(۶) تنها کسی که توانست سینما را به معنی امروزی در ایران همگانی کند شخصی ارمنی بود با نام «آرذاشس باتماگرایان» (معروف به اردشیرخان ارمنی) که سال ۱۲۹۱ش در خیابان علاءالدوله سالن باز کرد و با پیش سرپال‌های تارزان محبوبیتی همگانی یافت. از اقدامات مهم او، تفهیم فیلم‌های خارجی به ایرانیان بود، چه در آن زمان آشنایی با زبان خارجی متداول نبود و با آوردن یک مترجم که به بیان صحنه‌های فیلم و ترجمه جمله‌های زیرنویس می‌پرداخت و آوردن گروهی نوازنده که به نواختن موسیقی متناسب با صحنه های فیلم می‌پرداختند قدمی مؤثر در مردمی شدن سینما برداشت. از جمله اقدامات

هنر هفتم چگونه در ایران پا گرفت؟

تاریخ سینمای قجری

- نیلوفر کسری

دیگر او ایجاد بوفه در سالن سینما بود که بر جذابیت سالن سینما و استفاده از آن به‌عنوان یک تفریح شادی‌بخش خانوادگی افزود.^(۷)

اردشیرخان تیر ۱۲۹۴ سالن «مدرن سینما» و سال ۱۲۹۶ سالن «خورشیده» را افتتاح کرد اما بعدها به دلیل اختلاف و درگیری با نظمیه تعطیل شد. از این زمان به بعد تا پایان عصر قاجار سینما تحول عظیمی نیافت و تنها به‌عنوان وسیله سرگرمی عده قلیلی مورد استفاده قرار گرفت و از سوی دیگر ضعف امکانات حمل و نقل در واردات فیلم موجب تکرار فیلم‌های نمایش داده می‌شد. بنابراین سینما بازارش داغ‌تر از پیش نشد و دوران رکود را طی کرد به طوری که چند سینمای تهران فقط به نمایش یک سانس در روز اکتفا می‌کردند.

■ **افتتاح سالن‌های ویژه بانوان**

رکود سالن‌های سینمهای تهران سینماداران را بر آن داشت تا با دست زدن به اقدامات گوناگون شمار تماشاگران خود را افزایش دهند. از جمله این اقدامات علاوه بر استخدام مترجمان و توضیح‌دهندگان شوخ و بذله‌گو و استخدام گروه نوازنده، دادن بستنی و لیومواد مجانی در سالن سینماها بود. گاه سینماداران حتی در فروش بلیت نیز تغییراتی می‌دادند به طوری که سینمای زرتشتیان یک نسخه روزنامه اطلاعات را به جای بلیت قبول می‌کرد یا در سینمای دیگر بعد از خرید یک بلیت، بلیت دوم نصف قیمت داده می‌شد. اما همچنان سالن سینماها خالی بود. تا اینکه در سال‌های پایانی حکومت قاجار عده‌ای از جوانان تحصیل‌کرده تازه از اروپا برگشته تصمیم گرفتند سالن‌های ویژه بانوان تأسیس کنند تا از این طریق بر شمار فروش بلیت‌های خود بیفزایند. آنان اعتقاد داشتند مادامی که نیمی از جامعه به سینما راه نیابد، به شمار تماشاگران اضافه نخواهد شد از جمله این افراد کلنل «علیقنق‌خان وزیر»ی بود که به همراهی «خان‌بابا معتمدی» اقدام به تأسیس سالن سینما برای بانوان کرد.

خان‌بابا معتمدی درباره این اقدام می‌گوید: در آن روزها هنوز بانوان به سالن سینما راه نداشتند، لذا من فیلم‌هایی را که خود تهیه کرده یا از خارج آورده بودم در مجالس فامیلی برای بانوان نیز نمایش می‌دادم ولی بعد با یکی از صاحبان سینما مذاکره کردم و به اتفاق سینمایی مختص بانوان درست کردیم. کلنل علیقنق وزیری پیشنهاد کرد تا سالن نمایش او را که واقع در لاله‌زار بود به این کار اختصاص دهیم و به این ترتیب سینما صنعتی تأسیس شد که فقط فیلم برای خانم‌ها نمایش می‌داد و بعد از تأسیس این سینما بود که ورود خانم‌ها به سینماهای دیگر هم رواج پیدا کرد.^(۸)

این سینما پس از مدتی به دلیل بروز آتش‌سوزی که به دلیل اتصال سیم برق به وجود آمده بود، تعطیل شد. صبح روز بعد اعلاناتی برای توضیح واقعه در روزنامه نهاید، ش ۲،

۱۰/۷/۱۳۰۷، به چاپ رسید و در آن بیان شد:

اما راجع به حریق سینمای صنعتی خوشیختانه اضطراب و نگرانی مورد پیدا نکرد. بدین معنی که با توجه ویژه رئیس محترم نظمیه و مراقبت و جدیت و فداکاری مأموران نظمیه و بلدیه و نظامیان با فقدان هر گونه وسایل لازمه‌نهنها خیلی زود آتش خاموش و به نقاط دیگر سرایت نکرد بلکه جز ۲-۳ نفری که به دست و صورت‌شان جراحت مختصری وارد شده بود، تلفاتی به وقوع نپیوست و مقدار زیادی هم از لباس و زیورات خانم‌ها که از فرط وحشت به داخله عمارت سینما انداخته و فرار کرده بودند از طرف مأموران نظمیه جمع‌آوری و به صاحبانشان مسترد گردید. خلاصه از وقوع این حادثه بی‌اندازه متأثر و متأسف با آقای وزیری اظهار همدردی می‌نمایم. در این حادثه فجعع وقتی انسان منظره رقت‌خیز فرار و چهره مضطرب و ترسناک خواتین محترم و اطفال معصوم را به خاطر می‌آورد بی‌اختیار به این نکته متذکر می‌شود که چه عیب داشت

اگر شوهران و برادران و اقربای آنها نیز در آن موقع با آنها همراه بودند و با قوت قلب و مخصوص جنس مرد

است از وحشت‌زدگی آنها جلوگیری و آنان را به اثبات و خونسردی و مقاومت به خطر توصیه و در استخلاص آنها کمک می‌نمودند»^(۹)

بدین ترتیب امکان ایجاد سینماهای مختلط در اذهان سینماگران به وجود آمد ولی جامعه چنین چیزی را نمی‌پذیرفت. چندی بعد «علی و کیلی» که مدتی بود به نمایش فیلم در سالن گراند هتل به طور منظم و هر هفته (دوشنبه و جمعه) می‌پرداخت، به دلیل بدرفتاری اذهسان جامعه بار دیگر به ایجاد سینمای ویژه بانوان دست زد، او سالن مدرسه زرتشتیان (در خیابان نادری) را اجاره و سینمایی در آن تأسیس کرد تا بانوان را به سینما جلب کند و بدین منظور آگهی‌هایی در نشریات چاپ کرد و حتی گفت کسانیکه نسخه‌ای از این روزنامه را ارائه دهند می‌توانند بدون خرید بلیت فیلم را تماشا کنند اما با این ترفندها طرفی نبستت و سالن‌های سینما همچنان خالی ماند. بدون وجود تماشاگران زن، سینماداران نمی‌توانستند به فکر سودهای کلان باشند لذا بار دیگر دست به اقدامات جدیدی زدند و این بار تصمیم گرفتند در بالکن‌های سالن خانم‌ها را جا دهند و حتی فیلم‌هایی بدین شکل نمایش دادند اما تعداد کم تماشاگران این عمل را بی‌فایده کرد. تا اینکه سرانجام خان‌بابا معتمدی فکر ایجاد سینمای مختلط را عملی کرد. بویژه آنکه اوضاع زمانه با روی کار آمدن سلسله پهلوی مهیا بود. وی سالیی در میدان مخیرالذوله اجاره و سینمای پری را افتتاح کرد و بدین ترتیب مردها در یک طرف سالن و زن‌ها در سمت دیگر نشستند. ترفند آخر کار ساز شد، اگرچه همچنان قشر متدین جامعه از تماشای فیلم استقبال نمی‌کرد، اما سیاست دولت رواج فرهنگ غرب بود و به همین دلیل تعداد سینماهای مختلط در تهران و سپس سایر شهرستان‌ها افزایش یافت و از مهم‌ترین و مجلل‌ترین آنها سالن سینمای گراند هتل بود که به سعی و کوشش علی و کیلی ایجاد و بهره‌برداری شد. به دنبال گسترش سینماهای مختلط اعلان‌های جدیدی در سطح شهر پخش شد.

■ **اعلان گراند سینما و ورود خواتین**

چون مؤسسین گراند سینما برای خدمت به نوع قسمتی از سالن را مخصوص خانم‌های محترمی نموده‌اند لذا امشب عموم اهالی را دعوت به تماشای فیلم‌های جدیدالسرود و بی‌ظلمیر خود می‌نمایند و به مناسبت تشریف‌فرمایی خانم‌های محترم از امشب سر اول و دوم سرپال معروف «گلوله مس» را در یک شب نمایش می‌دهد تا عموم اهالی از زن و سرمد از تماشای آن بهره‌مند شوند. درب ورود خواتین محترمه‌از گراندسینما و آقایان محترم از گراند هتل است. کارکنان سینما و همچنین اداره جلیله نظمیه به وسیله مأموران خود از ورود زن‌های بی‌عفت و جوان‌های هرزه و فاسدالعقیده به محل سینما و از فروش بلیت به آنها خودداری خواهد کرد.^(۱۰)

این شیوه همچنان ادامه داشت تا اینکه بعد از واقعه کشف حجاب در ۱۷ دی ۱۳۱۴ زنان در کنار مردان به تماشای فیلم پرداختند. شایان ذکر است به طور کلی سینما در این زمان فقط قشر محدودی را در بر می‌گرفت و فقط در تهران و شهرهای بزرگ رواج داشت. بویژه آنکه اکثریت زنان بعد از واقعه کشف حجاب حتی از رفت و آمد در مجامع عمومی پرهیز می‌کردند تا چه رسد به گذراندن اوقات فراغت خود در کنار مردان.

این کسی که توانست سینما را به معنی امروزی در ایران همگانی کند شخصی ارمنی بود با نام «آرذاشس باتماگرایان» (اردشیرخان ارمنی) که سال ۱۲۹۱ش در خیابان علاءالدوله سالن باز کرد و با پخش سرپال‌های تارزان محبوبیتی همگانی یافت. از اقدامات مهم او، تفهیم فیلم‌های خارجی به ایرانیان بود، چه در آن زمان آشنایی با زبان خارجی متداول نبود و با آوردن یک مترجم به بیان صحنه‌های فیلم و ترجمه جمله‌های زیرنویس می‌پرداخت

یکشنبه‌به‌ار ۶دربهبشت ۱۳۹۴

تقریب تاریخ

گشایش نخستین فرستنده رادیویی و تلگراف ایران (۱۳۰۵ش)
ایجاد بی‌سیم در ابتدا به عهده وزارت جنگ بود و نخستین بنای بی‌سیم ایران در سال ۱۳۰۳ ش پایان یافت. از نیمه سال ۱۳۰۴ نصب دستگاه فرستنده ۲۰ کیلوواتی موج بلند و مرکز نیروی آن آغاز شد و قسمت گیرنده آن نیز در جوار پست فرستنده قرار گرفت. در فروردین ۱۳۰۵ نصب دستگاه فرستنده پایان پذیرفت و سرانجام پس از آزمایش‌های مقدماتی، دستگاه مزبور در ششم اردیبهشت ۱۳۰۵ افتتاح شد. نصب دستگاه‌های بی‌سیم شهرهای تبریز، مشهد، شیراز، کرمان، خرمشهر و کرمانشاه نیز که از سال ۱۳۰۴ شروع شده بود، در نیمه سال ۱۳۰۵ خاتمه یافت. در نهایت در دی‌ماه ۱۳۰۵ همه دستگاه‌های بی‌سیم تهران و شهرستان‌ها با کارمندانی که برای اداره آنها تربیت شده بودند در اختیار وزارت پست و تلگراف گذاشته شدند. ■■■

عملیات موفق نهادهای اطلاعاتی علیه حزب توده (۱۳۶۲ش)

بر اثر پیگیری نهادهای اطلاعاتی، اسرار ارتباط شبکه مخفی-نظامی حزب توده با کاتب کشف می‌شود و حزب آماج کنترل‌های اطلاعاتی-عملیاتی قرار می‌گیرد. رهبری حزب بشدت به تدارکات دفاعی در ابعاد اطلاعاتی، سیاسی و تبلیغاتی می‌پردازد و می‌کوشد تا خود را از زیر فشار خارج کند. از جمله در نیمه سال ۱۳۶۱ به قطع ارتباط مستقیم با شوروی دست می‌زند و ارتباط تشکیلات مخفی-نظامی را پیچیده‌تر و مستورتر می‌سازد. مع‌هذا، با پیگیری و هوشیاری نهادهای اطلاعاتی این اقدامات خنثی شده و نخستین گروه از رهبران و کادراهی درجه اول حزب دستگیر می‌شوند. سرانجام در تاریخ ۶ اردیبهشت سال ۱۳۶۲ در عملیات «امیرالمؤمنین علی(ع)» که در شب میلاد مولای متقیان انجام گرفت، سازمان‌های علنی و مخفی حزب توده فرو می‌ریزد و در پی آن با اطلاعیه دادستانی کل انقلاب اسلامی انحلال آن اعلام می‌شود. ■■■

انعقاد «معاهده پاریس» بین ایران و انگلیس (۱۲۷۳ق)



هرات از دیرباز متعلق به سرزمین ایران بود ولی در زمان محمدشاه قاجار از دست ایران خارج شد.ناصرالدین شاه برای الحاق دیوران، به هرات لشکرکشی کرد و در صفر ۱۲۷۳ ق این شهر را تسخیر کرد. این عمل که به مذاق انگلستان خوش نیامد باعث مکنس اعلان عمل شد و جزیره خارک، بوشهر و برخی نواحی خوزستان را اشغال کردند. پس از این تیرگی روابط، ایران نماینده‌ای جهت برطرف کردن کدورت‌ها به پاریس فرستاد و در آنجا پیمان پاریس امضا شد که به موجب آن، ایران حق مداخله در امور افغانستان را ندارد و باید از ادعاهای خود درباره هرات چشم‌پوشی کند. این معاهده باعث نفوذ هرچه بیشتر انگلیس در ایران شد و به وجهه دولت لطمه زد. ■■■

انتشار اولین روزنامه جهان در فرانسه (۱۶۰۵م)



تاریخ انتشار اولین روزنامه جهان به سال ۱۶۰۵ بازمی‌گردد، زمانی که «یوهان کارولوس» روزنامه «ریلشن» را در فرانسه منتشر کرد. روزنامه‌های که ۷۰ سال عمر کرد، طبق آمار رسمی انجمن روزنامه‌های جهان واقع در شهر استراسبورگ فرانسه، در سال ۲۰۰۴ در سراسر جهان ۶۵۸۰ روزنامه منتشر می‌شد؟ در حال حاضر ژاپنی‌ها روزنامه‌خوان‌ترین مردم در جهان هستند. همچنین پسر تیزازترین روزنامه‌های جهان در ژاپن منتشر می‌شود. تاریخ اولین روزنامه‌ها در سراسر جهان:
۱- اولین روزنامه در فرانسه بعد از «ریلشن» در سال ۱۶۳۱ با نام «گازت» منتشر شد.
۲- اولین روزنامه در انگلیس «اکسفورد‌گازت» نام داشت که در سال ۱۶۶۵ انتشار یافت.
۳- اولین روزنامه در آمریکا «پابلیک‌اکرنسر» بود که در سال ۱۶۹۰ منتشر شد.
۴- اولین روزنامه در کانادا «هالیفاکس‌گازت» نام داشت که در سال ۱۷۵۲ منتشر می‌شد.
۵- اولین روزنامه در خاورمیانه در مصر با نام «الوقایع‌المصریه» در سال ۱۸۲۸ منتشر شد و حدود ۱۰ سال بعد روزنامه «کاغذ‌اخبار» در ایران منتشر شد.